

The Corona Crisis and the Role of Borders in the Post-Westphalia Era of State

Mohammadreza Hafeniza

Professor of Political Geography, Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.
hafezn_m@modares.ac.ir

Ebrahim Ahmadi

Corresponding Author, PhD Student of Political Geography, Faculty of
Literature and Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
e_ahmadi@modares.ac.ir

Abstract:

Boundaries due to internal dynamics on the one side, On the other side, Reliance on a philosophical whole in the separation of identities and a strong rational logic in defense of sovereignty and national security is not lost; But they are redefined in functions. Believers in the collapse of the Westphalia system, influenced by post-positivist theoretical foundations and subsequent developments in the process of globalization, It is believed that the present world has entered an era known as the post-Westphalia system, in which, as in the past, modern phenomena derived from the Westphalia heritage, such as state, land and border, no longer have their traditional function. This article compares the nature, identity and function of the border in the two eras of the Westphalian state and the post-Westphalian state, she believes The present world is as vast as all its advances in Technology is embroiled in crises and growing threats; Like the corona virus crisis. It is no exaggeration to say that this crisis is the cause of the resurgence of the boundaries of political geography at all scales; It was from local / places up to international. The crisis, while recalling the basic concepts in political geography (nation, habitat, sovereignty, government, security, state, territory, border, etc) recalling the role of borders in defending the principle

of national security, national sovereignty, and integrity Territorial, and national independence, arrangement territorial, etc. It was a renewed warning in the direction of philosophical thinking and a rational and realistic view of the existence and functioning of borders. In fact, the crisis caused by the corona virus is a defensible example of the permanence of borders in the post- Westphalia era of the state.

Keywords: Border, Corona virus crisis, Westphalia system, post-Westphalia system.

بحران کرونا و نقش‌یابی مرزها در عصر پساوستفالیایی دولت

محمدرضا حافظ‌نیا

استاد جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

hafezn_m@modares.ac.ir

ابراهیم احمدی

نویسنده مسئول، کاندیدای دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران.

e_ahmadi@modares.ac.ir

چکیده

مرزها به دلیل پویایی درونی از یک سو، و از دیگر سو اتکای به یک کلیت فلسفی در تفکیک هویت‌ها و منطق عقلایی مستحکم در دفاع از حاکمیت و امنیت ملی، از بین نمی‌روند، بلکه دچار باز تعریف در کارکردها می‌شوند. معتقدین به فروپاشی نظام وستفالیایی به تأسی از بنیان‌های نظری فرائیبات‌گرایانه و متعاقباً تحولات ناشی از فرایند جهانی شدن، عقیده دارند که جهان کنونی وارد دوره‌ای موسوم به نظام پساوستفالیایی شده، که همانند گذشته پدیده‌های مدرن حاصل از میراث عصر وستفالیایی، نظیر دولت، سرزمین و مرز و غیره، دیگر آن کارایی سنتی خود را ندارند. این نوشتار با مقایسه ماهیت، هویت و کارکرد مرز در دو عصر دولت وستفالیایی و عصر پساوستفالیایی دولت، عقیده دارد جهان کنونی به وسعت همه پیشرفت‌هایش در فناوری و تکنولوژی، درگیر بحران‌ها و تهدیدهای روزافزون است؛ نظیر بحران ویروس کرونا، اغراق نیست اگر بگوییم این بحران، عامل خیزش مجدد مرزهای جغرافیای سیاسی در همه مقیاس‌ها، از محلی/مکانی تا بین‌المللی بود. بحران نام برده، ضمن یادآوری مفاهیم پایه در جغرافیای سیاسی (سرزمین، ملت، زیستگاه، حاکمیت، حکومت، امنیت، دولت، قلمرو، مرز و...)، با یادآوری نقش مرزها در دفاع از اصل امنیت ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال ملی، قلمرو آرای و...، هشدار مجددی بود در جهت فلسفی اندیشی و نگرش عقلایی و واقع‌بینانه به هستی

و کارکرد مرزها. در حقیقت بحران ناشی از ویروس کرونا مثال قابل دفاعی از ماندگاری مرزها در عصر پساوستفالیایی دولت است.

واژگان کلیدی: مرز، بحران ویروس کرونا، نظام وستفالیایی، نظام پساوستفالیایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

۱. مقدمه

مراد از دولت وستفالیایی؛ واحد فضایی (کشور) متشکل از جمعیتی مشخص (ملت)، با محدوده‌ی مشخص (سرزمین)، و برخوردار از حق حاکمیت (حکومت) بر آن جمعیت و سرزمین است، که قلمروی آن به وسیله مرز از سایر واحدهای سیاسی مستقل (دولت‌های مجاور) معین شده است. آنچه مرز می‌خوانیم، خطوطی طبیعی و گاهاً ذهنی‌اند که در برگیرنده مفاهیم دوگانه و متعددی از ما و آنها (تفاوت‌سازی هویت‌ها و منافع)، درون و بیرون، داخلی و خارجی، شهروند و بیگانه، قانونی و غیرقانونی است (گالاهر و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۸)، و از آنجایی که این مرز، نماد احساسات ذاتی و غریزی انسان در فرایند قلمروسازی فضایی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۸)، هم زمان ابزار سیاست کشور، تجلی و وسیله قدرت دولت و تعیین کننده هویت ملی هم به حساب می‌آید (فلینت، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۰). از این جهت، مفهوم مرز در انطباق کامل با اصل دفاع از حاکمیت، امنیت و هویت دولت مدرن یا وستفالیایی است: در این الگو بود که مرزهای سرزمینی شکل گرفت و معیار تمایز دولت‌ها و جوامع سیاسی قرار گرفت.

مدعیان فرآمدن نظم پساوستفالیایی با ترکیب کردن نظریه‌ها و معارف فرااثباتی و همسو کردن آنها با تحولات جهانی شدن، با تکیه بر رهیافت انتقادی و روش

شناسی تفسیری، با نفی هرگونه جهان شمولی و کلی‌گرایی و ضدیت با هرگونه فراروایت عقلانی و تجربی، دولت را نه یک پدیده حقیقی، طبیعی و حتی ضروری، بلکه آن را برساخته اجتماعی و بعضاً موجودیتی تحمیلی می‌دانند: در چنین رهیافتی وجود مرزها نه امری طبیعی و حتی لازم؛ که کنشی مغرضانه، از پیش تعیین شده و پیشاسیاسی است (دیوتاک، ۱۳۸۸، ص. ۳۱) برای توجیه امنیت و البته حاکمیت دولت. از سویی این مدعیان معتقدند، در عصر پساوستفالیایی به واسطه جهانی شدن ناشی از انقلاب ارتباطات، حمل‌ونقل و تقسیم کار جهانی، رشد سریع اینترنت، فضای مجازی و رشد تکنولوژی‌های جدید (حافظنیا و احمدی (الف)، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۸)؛ دولت، مرز و سرزمین در حال کم رنگ شدن و رو به انحلال است.

این مقاله در پی پاسخ به یک سوال اصلی است: در دوران موسوم به عصر پساوستفالیایی، با وجود بحران‌ها و تهدیدهای متکثر و فزاینده جهانی نظیر بحران ناشی از ویروس کرونا، آیا پدیده مرز به عنوان میراث عصر وستفالیایی، آن‌گونه که اندیشمندان مکاتب پسااثبات‌گرایی و مدعیان فراآمدن نظم پساوستفالیایی معتقدند، غیرضروری و به سمت کم رنگ شدن است؟ مقاله با اتکالی به روش استنادی-استدلالی نشان خواهد داد، که استدلال و اندیشه‌های نفی‌کننده مرز، از سوی معتقدین و اندیشمندان فرا آمدن نظم پساوستفالیایی و مکاتب فرااثباتی، با واقعیت‌های کنونی فضای جغرافیایی، مطابقت ندارد: بحران ناشی از ویروس کرونا، ردی بر این ادعاها و اندیشه‌ها است. ضرورت دولت دارای حاکمیت و برخوردار از امنیت و اقتدار و به تبع آن ضرورت وجودی، فلسفی و عقلایی مرزها به فراخور تهدیدهای موسع، چندبعدی، جهش یافته و رو به افزایش است؛ که این تهدیدها به فراخور و در تناسب با پیشرفت و توسعه فناوری، تکنوژی، فضای مجازی و... است. در چارچوب معرفت‌شناسی اثباتی (علم باور، عقل‌گرا و تجربه‌گرا)، مرزها به عنوان محافظ قلمرو حاکمیت و امنیت ملی در برابر تهدیدهای فراگیر، همان‌گونه که بحران کرونا نشان داد، نه تنها روبه سستی و اضمحلال نیستند، که متناسب با کارکردها جدید در حال برجسته‌تر شدن‌اند. تهدید پاندمی نظیر ویروس کرونا، ایجاد مرزهای جدیدی را باعث شد که قبلاً وجود نداشتند. در حقیقت به تناسب گستره‌ی تهدیدها، جهان پیشرو شاهد تجدید حیات مرزهایی است که فراتر از بیمارهای همه گیر است (Radil & et al, 2020, p. 135). داده‌ها و اطلاعات لازم برای انجام پژوهش حاضر، با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۲. ادبیات تحقیق

جمع‌آوری ادبیات پژوهش در نوشتارهای بدیع همواره امری است دشوار. کرونا از سویی یک بیماری پاندمیک بود و از دیگر سو، نو پدیده بود. پاندمیک بودن کرونا به جهت فرو بردن جهان در بهت مرگ و ترس، و نوپدیده بودن آن، از آن جهت که زین پس عصری از «جهان پساکرونا» با ماهیت به چالش کشیدن تمامی دستاوردهای بشری در سلسله مراتبی از تمامی ابعاد (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، زیست محیطی، ژئوپلیتیکی و...) شاهدیم. این پدیده، تمامی معارف و مکاتب بشری را متأثر از خویش ساخت: تا جایی که، از دنیای پیشاکرونا/پساکرونا، به مثابه دو دنیای بسیار ناهم‌اند سخن گفته می‌شود (خلیلی، ۱۳۹۹).

تمرکز این نوشتار بر پدیده بودن ویروس کرونا در بررسی تأثیر آن بر عصر دولت وستفالیایی (دولت مرزدار و برخوردار از حاکمیت) و عصر پساوستفالیایی دولت (عصر بی‌دولتی-بی‌مرزی-بی‌سرزمینی) است. از یک سو طرفداران جهانی شدن و مکاتب فرائیباتی، به واسطه مسائل و چالش‌های چندلایه، پیچیده و چندبعدی (نظیر تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیست محیطی، مهاجرت، تروریسم و مناقشات برخاسته از بحران آب-غذا-انرژی، جنگ‌های قومیتی- مذهبی و اینک بحران کرونا) در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، نظم بین‌المللی دولت محور (موسوی شفایی و همکاران، ۱۳۹۹) را پایان یافته می‌دانند؛ از دیگر سو، استدلال طرفداران نظم و وستفالیایی در دفاع از دولت دارای حاکمیت و امنیت (دولت مرز دار) دقیقاً به دلیل گستردگی تهدیدهای نام برده است.

این مقاله از میان انبوه نوشتارهایی که در باب کرونا نگاشته شده، تنها به آنهایی اشاره دارد که مستقیم در راستای عنوان و دغدغه پژوهش حاضر است؛ هرچند اندک. نزدیک‌ترین منبع پژوهش حاضر (و تنهاترین منبع) که نوعی راهنمای این مقاله است، گزارش علمی «بحران کرونا و بازآفرینی نقش مرزهای بین‌المللی» به قلم حافظ‌نیا و احمدی است. نویسندگان گزارش نام برده، معتقدند این بحران خیزش مجدد مرزهای جغرافیای سیاسی در همه مقیاس‌ها از محلی/مکانی تا بین‌المللی بود. از دیدگاه آنها، بحران کرونا، ضمن یادآوری مفاهیم پایه در جغرافیایی با یادآوری نقش مرزها در دفاع از اصل امنیت ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال ملی،

قلمرو آرای و... هشدار مجددی بود در جهت فلسفی اندیشی و نگرش عقلایی و واقع بینانه به هستی و کارکرد مرزها (حافظنیا و احمدی، (ب)، ۱۳۹۹).

همچنین حافظنیا در مقاله‌ای تحت عنوان: «**ضرورت اتخاذ راهبرد ژئوپلیتیکی برای حل بحران‌های پاندمیک**» اشاره کوتاهی به نقش مرزها در کنترل بیماری‌های پاندمیک دارد، جایی که وی بستن و یا کنترل شدید مرزهای ملی و بین‌المللی را به منظور تضمین سلامت سازه‌های انسانی در تمامی مقیاس‌های میکرو تا ماکرو را به عنوان یک راه‌حل و ضرورت اجتناب‌ناپذیر در کنترل بیماری‌های اپیدمیک می‌داند (حافظنیا، ۱۳۹۹). در یک برداشت آزاد حافظنیا نظامی‌سازی مرزها در برابر بیماری‌های اپیدمیک و پاندمیک را بخشی از یک راه حل کنترلی و یک ضرورت غیرقابل اجتناب و غیرقابل انکار می‌داند.

مقاله: «**حیای مرزها: به سوی مرز جهانی پس از کووید-۱۹**» به قلم استوین رادل، جِم کاستن پینز و تامس تاک. نویسندگان مقاله معتقدند: «تحمیل سریع مرزهای ملی و فروملی و تشدید سیاست‌های مرزی یکی از نتایج جغرافیایی-سیاسی بحران ناشی از کرونا بوده است». به عقیده نویسندگان، در حالی که مرزهای ملی برجسته‌ترین وعینی‌ترین جنبه واکنش دولت‌ها به همه‌گیری بوده است، سایر مقیاس‌های مرز در درون ایالت‌ها، مناطق، شهرها و محله‌ها به اشکال قرنطینه و مرزبندی نشان از نخست اهمیت مرزها و در درجه دوم هویت یابی جدید مرزها بوده است (Radil & et al, 2020).

مقاله تحلیلی «**مرزها در عصر کرونا: چگونه همه‌گیری کرونا باعث از بین رفتن الگوی تحرک جهانی شد؟**» به قلم بُریلو و صالح اُغلو. مقاله مذکور تشریحی از محدودیت‌های مرزی ناشی از ویروس کرونا در سرتاسر جهان، بویژه مرزهای اتحادیه اروپا و متعاقباً آینده مرزهای باز شننگن است. در جایی از مقاله آمده است: «به واقع، مرزها در بیشتر موارد برای مسافران امروزی اروپایی بی‌ربط هستند و در داخل اتحادیه شننگن، به مرور مرزهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از بین رفتند.» نویسندگان مقاله معتقدند، در حالی که مرزها برای شهروندان اروپایی ناپدید شده‌اند، اتحادیه اروپا به طور فزاینده‌ای، بررسی‌هایی را در چارچوب امنیت رژیم مرزهای باز شننگن آغاز کرده است (Borriello and Salihoglu, 2020).

آیلت شاجارما در گزارش تحلیلی تحت عنوان: «**مرزها در زمان کرونا**» معتقد است ویروس کرونا مصداق بارز اهمیت مرزها در زمان حال بود. وی با یادآوری شعار

انتخاباتی رئیس‌جمهور ترامپ که گفته بود: «دیوارهای غیرقابل نفوذ، بلند، مستحکم و زیبا خواهد ساخت»، معتقد است بحران کرونا نشان داده که دولت‌هایی که می‌خواهند به هر نحوی رفت و آمدها را به وسیله آجر، دیوار و سیم خاردار محدود کنند به ندرت قادر به این کار خواهند بود. مرزها در سالهای اخیر به یک ساختار قانونی پویا، چابک و پیچیده تبدیل شده که فراتر از الگوی ثابت جغرافیایی کنونی است؛ زیرا آنها می‌توانند در مکان‌های بی‌شماری به وجود آیند و دوباره متولد شوند (Shachar, 2020).

مقاله حاضر با قرار دادن ویروس کرونا در کانون تحلیل، در پی تبیین جامعی از اهمیت، نقش و جایگاه مرزها در دوران موسوم به عصر پساوستفالیایی دولت است.

۳. رهیافت نظری

در سال ۲۰۰۰ میلادی شورای اطلاعات ملی آمریکا اعلام کرد که «بیماری‌های مسری جدید و در حال ظهور حاوی تهدید بهداشتی جهانی روز افزونی اند که در ۲۰ سال آینده امنیت آمریکا و جهان را با دشواری و مخاطرات جدی مواجه خواهد ساخت». برای این پیشبینی جدی دلایل خوبی موجود بود؛ زیرا طی دو دهه گذشته از آن اعلام، تقریباً ۳۰ گونه بیماری جدی (ایدز، اسپریتوکوک، ابولا، هپاتیت C، هانتا ویروس و...) به وجود آمد، به طوری که در سال ۱۹۹۸ م. مرگ ۵۴ میلیون انسان بر اثر بیماری‌های مسری، تقریباً با تعداد کشته شدگان جنگ دوم جهانی برابری می‌نمود (Caldwell, 2001): این میزان از مرگ میرِ ناشی از ویروس کرونا، نیز طی سه سال از شروع همه‌گیری (مارس ۲۰۲۲م - ۲۰۱۹م)، به بیش از شش میلیون نفر رسیده است (WHO, 2022, March 5). سوای از اینکه پایداری و اثرگذاری این ویروس بر تمامی ابعاد زندگی بشر، آن را به یکی از بزرگترین بحران‌های قرن حاضر مبدل ساخت. آنچه نگرانی‌ها را از ناحیه تهدید بیماری‌های همه‌گیر تشدید می‌نماید، نخست کاهش فواصل زمانی و در درجه بعدی شدت یافتن قدرت اثر و ویرانگری آنها است (منوچهری، ۱۳۹۸، ص. ۹).

اما آنچه به واسطه این بیماری محل بحث محافل آکادمیک و سوژه پژوهش‌های انبوه بوده است، برجستگی نقش «دولت» و مقایسه «دولت‌ها» با یگدیگر به لحاظ بهترین کیفیت سازماندهی و مدیریت مطلوب فضا در مواجهه با این بحران بود؛ نه بحث بر سر رنگ باختن نقش «دولت»، «مرز»، «سرزمین» و غیره.

چنانچه که تجربه شد، به محض شیوع کرونا و احساس ناشی از تهدید این پاندمی، نخستین اقدام کشورها انسداد مرزها بود. در کنار انسداد مرزها؛ دولت محوری، به اشکال اتکا، امید و اعتماد به دولت (در محافظت از شهروندان و تأمین امنیت انسانی و اقتصادی آنها و...) دومین نتایج این همه گیری بوده است؛ زیرا مردم نظاره گر عملکرد دولت بودند، تا ببینند آیا دولتشان قادر است از سلامتی آنها به خوبی مراقبت کند یا نه (Biscop, 2020, p. 2): این مسئله از سه جهت حائز اهمیت است: نخست آنکه، حفظ سلامت و بهداشت از دیرباز در قلمرو انحصاری صلاحیت دولت‌ها بوده و هست. به دیگر سخن، این امور جزء امور حاکمیتی محسوب می شود (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۶). دوم آنکه مبداء اصلی تهدیدات دولت‌ها هستند و در درجه سوم آماج و هدف اصلی و نخستین تهدیدها نیز دولت‌ها هستند. پای فشاری بر این عقیده که از دوره ملی بودن تهدیدها به سوی جهانی شدن تهدیدها حرکت کرده‌ایم، به این معنا نیست که نقش و جایگاه دولت‌ها چه به عنوان مبداء اصلی تهدیدها و چه به عنوان آماج و هدف نخستین تهدیدها رو به زوال است؛ زیرا دولت‌ها هنوز هم یگانه بازیگر ضامن امنیت و سلامت مردم خود هستند (نجفی سیار، ۱۳۹۹، ص. ۳۰۶).

به گفته بوزان [و البته بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان] در نظام بین‌المللی، واحد استاندارد امنیت، همان دولت دارای حاکمیت و قلمرو است (بوزان، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۴): در این تعریف حقوقی- جغرافیایی، مرزها (سیاسی و بین‌المللی) به عنوان حد خارجی حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها و محافظ قلمرو ملت- دولت در برابر تهدیدها گسترده بیرونی مطرح‌اند. به تعبیری رابطه مرز با کشور، یک رابطه ذاتی و غیرقابل گسست از نوع دفاع از قلمرو و حاکمیت و نشانه رسمیت بین‌المللی است (حافظنیا و احمدی، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۶). ضمن اینکه به تناسب تغییر در ماهیت، جنس، گونه و گستردگی تهدیدها شاهد تحرک و پویایی بیشتر مرزها در تمامی مقیاس‌ها هستیم. واضح است نقش، جایگاه و اهمیت دولت‌ها به عنوان مرجع اصلی تأمین و ترویج امنیت ملی، حاکمیت ملی، قدرت ملی، منافع ملی، سیاست مستقل ملی (داخلی و خارجی) و غیره، در کنترل و مدیریت فضای مجازی و ارتباطات الکترونیکی، صدور روایید، اجازه سرمایه‌گذاری، مهاجرت، تروریسم و... کماکان بی‌بدیل است (همان، ص. ۱۱۸). به روایتی نقش دولت‌ها به عنوان تهدید کننده و تهدید شونده به واسطه گستره جهانی تهدیدها و ظهور بازیگران متعدد سهم‌خواه تنها دچار تغییر در تاکتیک‌ها، روش‌ها، رویکردها و کارکردها شده است؛ بنابراین در انطباق با جایگاه و نقش

دولت‌ها، تحولات عصر پساوستفالیایی (به واسطه رشد سریع اینترنت، فضای مجازی و رشد تکنولوژی‌های جدید) باعث کم رنگ شدن و بی‌اهمیت شدن مرزها نشده، بلکه تنها متنوع‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن کارکرد مرزها را به دنبال داشته است. به‌طور اجمالی تأثیر کرونا بر کارکردهای گوناگون جداکنندگی، یکپارچه سازی، تفاوت سازی، کشمکش و ارتباطی (حافظنیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۷-۱۱۲) مرز به اشکال ذیل است (حافظنیا و احمدی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۶):

کارکرد جدا کنندگی: کارکرد جدا کنندگی مرز برخاسته از فلسفه ماهوی و هستی‌شناسی آن است. تحولات معاصر در اثرگذاری و تحریف فلسفه ذاتی مرز (نقش جداکنندگی هویت‌ها؛ متمایز میان افراد، گروه‌ها، کشورها و...) چندان موفق نبوده است. پاندمی کرونا نمایش از کارکرد جداکنندگی مرز در تمامی مقایس‌ها، از فردی تا بین‌المللی بوده است.

کارکرد یکپارچه سازی: مرزها به عنوان مبادی رسمی و قانونی، تسهیلات یکپارچه‌سازی را از طریق ارتباطات آسان فراهم می‌آورند. بحران کرونا نشان داد برخی از متغیرهای یکپارچه‌سازی به هنگام خطر در نهایت به اشکال امنیت ملی، دفاع ملی، هویت ملی و ناحیه‌ای و ... خودنمایی می‌کنند. یکی از پیامدهای جغرافیای سیاسی همه‌گیری، تحمیل سریع مرزهای ملی و زیرملی است، به ویژه در جایی که باز بودن و یکپارچگی فرامرزی رایج بود (Radil & et al, 2020, P. 132).

کارکرد تفاوت سازی: تفاوت ناشی از ذات انسان‌ها است و در اشکال مختلف فضایی، فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... همچنان باقی است و می‌توان گفت تحولات دوران معاصر بر کارکرد تفاوت سازی مرز تأثیری نداشته است. به طور مثال در پایین‌ترین سطح مقیاس، مرزبندی و تفکیک افراد و خانواده‌ها در محل سکونت خود به واسطه این همه‌گیری، یادآور ادعای پوپیسکو^۱ است که اذعان دارد: «مرزها ذاتی زندگی روزمره شده‌اند» (2011, P. 3).

کارکرد کشمکش: کشمکش هنوز هم شکل غالب چالش مرزهای بین‌المللی (در خشکی، دریاها و رودخانه‌ها) است. بسیاری از چالش کشورهای امروزی ناشی از اختلاف‌های مرزی است، که بعضاً برخی از این اختلاف‌ها باعث جنگ هم شدند. کشمکش همچنین بر سر ورود اتباع مهاجر، بیگانه و غیرقانونی و ترس سرایت گونه

¹.Popescu

های ناامنی (جنگ، توسعه نیافتگی، پاندمی، قاچاق و...) نظامی شدن هر چه بیشتر مرزها را سبب شده است.

کارکرد ارتباطی: از حیث کارکرد ارتباطی، مسائل مربوط به جهانی شدن به مثابه فرصت (همکاری‌های همه جانبه مرزی) و تهدید (از ناحیه نیروهای واگرا) مطرح است. به دنبال شیوع ویروس کرونا، کارکرد ارتباطی مرزها به واسطه محدودیت در تردد و ارتباط و به منظور دفاع از امنیت و سلامت شهروندان از طرف کشورها کاهش یافت.

در مجموع ظهور پاندمی عالم‌گیر کرونا که تمامی وجوه حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی ملت - دولت‌ها را متأثر ساخت، ضمن یادآوری جایگاه و نقش دولت و ستفالیایی (دولت دارای حاکمیت، و برخوردار از مرز و قلمرو)، فرضیات و ادعای مسلم مکاتب پسامدرن و عصر پساو ستفالیایی، درباره رنگ باختن میراث نظم وستفالیایی (دولت مدرن و متعلقات آن چون مرز، قلمرو، سرزمین، حاکمیت، امنیت و...) را برملا، و محتاج بازنگری و تأمل دوباره ساخت؛ زیرا شهروندان هر کشور به هنگام احساس خطر، ابتدا و بیش از دیگران به دولت‌های ملی خویش چشم دارند (والث، ۱۳۹۸)، و به تناسب، دولت‌ها نیز برای تأمین امنیت شهروندانش در برابر گونه‌های ناامنی، چاره‌ای جز بازنگری و تجدیدنظر در برخی از سیاست‌های خویش (از جمله سیاست نظامی سازی مرزها در قالب محافظت شدید مرزی) ندارند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. مرز در عصر دولت وستفالیایی

معاهده وستفالیای به عنوان یک مبدأ، که آغاز آن مصادف بود با پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی اروپائیان و شروع یک جنبش اصلاح دینی، به دلیل عقلانیتی بود که شروع یک دولت با ویژگی‌های جدید را نوید می‌داد؛ گذر از عصر دولت‌های پیشامدرن (دولت‌شهرها، نظام‌های فئودالی، فرمانروایی‌های پاتریمونیا و امپراتوری‌های بروکراتیک) (Giddens, 1985, P. 35) به عصر دولت ملی یا مدرن که به مرور توسعه یافت؛ دولتی که در آن مفاهیم جدیدی از حکومت، ملت، قدرت، حاکمیت، امنیت، حقوق و غیره شکل گرفت.

با الهام از نظریات ماکس وبر، دولت مدرن دارای ویژگی‌هایی نظیر: (۱) انحصار کنترل ابزار خشونت؛ (۲) سرزمینی بودن؛ (۳) برخورداری از حاکمیت؛ (۴) مبتنی بر

قانون اساسی؛ ۵) قدرت غیر شخصی؛ ۶) بروکراسی عمومی؛ ۷) اقتدار همراه با مشروعیت؛ ۸) حقوق شهروندی؛ و ۹) مالیات ستانی (Pierson, 2011, P. 6) است. از نگاه وستفالیایی چنین دولتی دارای سرزمین، حدود قلمرو و مرزهای معین است، که از کنترل انحصاری و حق حاکمیت بر آنها برخوردار است. در حقیقت، برای نخستین بار در این معاهده، تعریف منسجمی از کشور ارائه شد؛ یک فضای جغرافیایی با سازه انسانی مشخص و با حکومتی متکی بر قلمرو سرزمینی و سازه انسانی مربوطه (حافظنیا و احمدی (الف)، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۶).

از سویی ترکیب سه عنصر سرزمین، ملت و حکومت که باعث پیدایش کشور شده است، در چارچوب مرز و قلمرو معنی می‌یابد. به تعبیری مرزبندی و کنترل سرزمین به عنوان اصلی‌ترین پایه‌های وجه تمایز و سازماندهی سیستم وستفالیایی دولت است (Albert, 1998, P. 55). در حکومت مدرن به عنوان محصول نظام وستفالیایی، مرزها با تمامی ویژگی‌ها و کارکردهایی که دارند، به عنوان ابزار مشروعیت، هویت، و دفاع از حاکمیت و تمامیت سرزمینی، اهمیت ویژه‌ای دارند (حافظنیا و احمدی (الف)، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۸)؛ ازاین‌جهت مرز در چارچوب حس قلمروخواهی و قلمروداری، اقتدار، امنیت و در مجموع نیازهای دولت ملی از جنبه عقلانی برخوردار است که در ضمن از توجیه فلسفی قوی و دائمی هم برخوردار است. در مجموع به دلایل ذیل انگاره مدرنیته معتقد به لازم‌ه وجود و مانایی مرز است:

۱) استحکام در کلیت فلسفی (اصل ذاتی بودن): در هستی‌شناسی، وجود و چیستی ماهیت پدیده‌های واقعی مورد نظر است. رابرت ساک ترسیم و نگهداری مرزها را ناشی از نوعی نیروی فوق‌العاده «ذاتی» می‌داند که به سادگی از بین نمی‌رود (Sack, 1986, P: 32). به تعبیری، فلسفه وجودی مرزها مبتنی بر اصل گوناگونی و تفاوت در اصل نظام خلقت و ذات انسان‌هاست که اصلی بدیهی، پایدار و غیرقابل انکار است. ازاین‌رو، وجود انسان را بدون وجود مرزهایی که او را از دیگری و مکان زندگی او را از مکان‌های دیگر جدا می‌کند نمی‌توان تصور کرد. براین اساس، جهانی شدن در جلوهای مختلف خود (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) قادر نیست هستی و ماهیت مرزها را تحت تأثیر قرار دهد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۵۲-۵۱).

۲) ابتنای بر کلیت عقلانی مستحکم: به لحاظ عقلانی دلایل زیادی وجود دارد که ضرورت مرزها را به اثبات می‌رساند. در نگاه عقلانی، مرز با مفاهیمی چون امنیت، تمامیت سرزمینی، استقلال، هویت و... آمیخته است. اجمالاً از حیث عقلانیت، مجموع مواردی مانند احساس تعلق به مکان، نیاز به قلمروخواهی انسانی، وجود

فرهنگ‌ها، اقوام و ملل‌های گوناگون در قالب بیش از ۲۰۰ ملت- دولت، نیازهای امنیتی و دفع تهدیدهای فرامرزی همچون تروریسم، قاچاق، مافیا، وحدت و خودآگاهی و موارد بیشمار دیگری وجود دارد- که توجه‌گر عقلانیت اهمیت مرزها در رد تئورهای جهان بدون مرز است.

۳) **ابتنای بر نقش‌یابی جدید کارکردها:** مرزها از بین نمی‌روند، بلکه متناسب با پویایی جامعه بشری به لحاظ کارکرد و ماهیت تغییر می‌کند و نقش جدیدی را برعهده می‌گیرند. آنچه معتقدین به اضمحلال و نابودی مرزها را به اشتباه انداخته، دگرگونی در کارکرد مرزها است که به دلیل پیچیدگی‌های روزافزون ناشی از پیشرفت در تکنولوژی و فناوری و همچنین تنوع در تهدیدها است. درحالی که جهان‌گرایان گمان می‌کنند دگرگونی‌های کارکردی باعث کمرنگ شدن مرزها شده، ولی غافل از این‌اند که اتفاقاً این دگرگونی‌ها به تأسی از پیچیدگی‌های موجود سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... بیش از هر زمان وجود مرزها را توجیه می‌نماید؛ لذا برخلاف این فرض اشتباه، تحولات جهانی شدن لزوماً و همواره در راستای تضعیف کارکرد مرزها نیست، بلکه در موارد بسیار، این تحولات با تنوع بخشی در کارکرد مرزها، بیش از هر زمانی اهمیت آنها را آشکار می‌سازد (حافظ‌نیا و احمدی (الف)، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۵).

۲-۴. مرز در عصر پساوستفالیایی دولت

عصر پساوستفالیایی درست نقطه مقابل عصر دولت مدرنیته و وستفالیایی است. آنچه را که ما روایت مدرن و یا وستفالیایی از پدیده‌هایی چون مرز، دولت، قلمرو، سرزمین، جغرافیا و... می‌دانیم، مبتنی است بر عقلانیت، که در نظریه‌های فرائباتی و یا نظریه‌های عصر موموم به پساوستفالیایی (نظریه انتقادی، سازه‌نگاری و نظریه پست‌مدرن) که گره‌گاه مشترک همه آنها، تردید، شک و در نهایت نفی روایت کلان و مطلق‌گزاره‌ها و پدیده‌های علی (مثلاً دولت به عنوان یک متغیر مستقل یا علت در توجیه معلول امنیت، قدرت و...) است، به چالش کشیده می‌شود؛ چرا که پست‌پوزیتیویست‌ها عقیده دارند هیچ تئوری و فاعل بی‌طرفی وجود ندارد و فراروایت‌های مدرنیته از پدیده‌ها، تنها برساخته عقلانیت مدرن است (به مثابه ابزار سلطه). در حقیقت پست‌پوزیتیویست‌ها به دنبال فهم غیرعلی یا از «پایین به بالا»^۲ (Hollis

^۱.post-Westphalia

^۲.Bottom-up

and Smith, 1991, P. 7)، با هدف شالوده‌شکنی و انتقاد از بنیان‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی علوم و تئوری‌های مدرنیته هستند.

نخست آنکه، هستی‌شناسی نظریه‌های پست‌پوزیتیویستی بر خلاف نظریه‌های مدرن که مرز را پدیده‌ای عینی در قالب ترسیم نشانه‌هایی بر روی زمین یا بستر دریا (دیوارها، سیم خاردار، خطوط قراردادی، منطقه فلات قاره و...) و یا ذهنی (مرزهای ادراکی؛ قومی و فرهنگی) می‌داند، اساساً مرز را تولید دولت در بر ساختگی و توجیه قدرت/امنیت خویش می‌داند؛ تا جایی که آلتوسر «ساخت قلمرو» را بخشی از کنش ساخت‌دهنده دولت، و توجیه دستگاه‌های ایدئولوژیک آن در موجه‌نشان دادن [به بهانه] «امنیت ملی» (فرهادپور، ۱۳۸۸، ص. ۴۵۵) می‌داند.

دوم، درحالی که معرفت‌شناسی مرز در رویکرد پوزیتیویستی مبتنی بر تفکیک هویت‌ها (از سطح فردی تا بین‌المللی) است؛ معرفت‌شناسی پساپوزیتیویستی مرز را کنشی از پیش تعیین شده پیش‌سیاسی و مغرضانه می‌داند؛ با این تفسیر که فضای سیاسی قبل از ثبت مرزی وجود نداشت. به تعبیری، سوژه‌های سیاسی با ایجاد و ثبت مرز، در قالب علامت و نام‌گذاری انواع مرزهای فیزیکی، ایدئولوژیک و سمبولیک شکل (Dillon and Evrard, 1992, P. 282) گرفتند. درحقیقت هدف چنین کنشی سیاسی، تولید و تعیین فضاهای سیاسی در قالب گونه‌های متعدد مرز است: از این منظر ترسیم مرزهای جغرافیایی را نمی‌توان عملی معصومانه، بی‌طرفانه و کاملاً ناشی از ملاحظات جغرافیایی دانست.

سوم، نهفته بودن حاکمیت در دل دولت و ارتباط آن با مرز است؛ از این جهت که چگونه دولت دارای حاکمیت، طبیعی و مشروع جلوه داده می‌شود؟ و مرز به مثابه یک ابزار در دفاع از سوژه‌گی دولت (در ایجاد و استقرار امنیت، دفاع، حاکمیت، قدرت، مشروعیت و...) چگونه در این توجیه، شکل طبیعی به خود می‌گیرد؟ در دفاع مدرنیته، اساساً تصور دولت بدون حاکمیت امکان‌پذیر نیست؛ از این روی مرز دارای قوی‌ترین مفهوم امنیت/دفاع در برابر گونه‌های متعدد نامنی (مهاجرت، تروریسم، بیماری‌های مسری، قاچاق و...) در صیانت از حاکمیت ارضی، ملی و فراگیر دولت است؛ حال آن که پست‌پوزیتیویست‌ها، حاکمیت را به لحاظ هستی‌شناسی گمراه‌کننده و نتایج حاصل از این توجیه را به لحاظ اخلاقی زیان‌بار می‌دانند. سواى از آن که آنها، در تفکیک هویت‌ها در مرزبندی میان «ما» و «آنها» (دیوتاک، ۱۳۸۷، ص. ۳۷) درگیر نوعی قضاوت اخلاقی‌اند.

چهارم آنکه، تقارن و انطباق میان عصر پساوستفالیایی و تحولات ناشی از جهانی شدن به واسطه پیدا شدن رقیب‌هایی برای دولت است که نه تنها عقیده بر آن است که تضعیف نقش سوژه‌گی و کارکردی دولت را سبب شده، بلکه هم زمان، برآمدن عصر بی‌دولتی، بی‌مرزی و بی‌سرزمینی در این عقیده می‌گنجد. در عصر پساوستفالیایی در راستای تحولات جهانی شدن، سازوکارهای قلمرو سازی همانند حکومت در مقابل نیروهای فراملی از خود مقاومت و اثر تعیین کننده‌ای نخواهند داشت و به مرور در حال تضعیف، تجزیه و انحلال‌اند. ازین‌رو در کنار بحران‌های درونی واحد ملت-دولت و در پی چالش‌های حرکت جهانی سرمایه، ظهور و رشد نهادهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی بین‌المللی، فراملی و چندملیتی و در نتیجه پافشاری و نفوذ این نهادها، قدرت حاکمیت مطلقه‌ی ملت-دولت رو به افول است (Brown, 2014, P. 22) و به تبع، مرزهای سیال و نفوذپذیر، معلول همگرایی فنی، اقتصادی و سیاسی به واسطه تحولات ناشی از جهانی شدن است.

۳-۴. امنیت‌سازی مرزها: واکنش دولت‌های درگیر بحران کرونا

شیوع ویروس کرونا که گفته شده در ابتدا (در ماه ژانویه) از استان ووهان چین آغاز شد، طی مدت زمان کوتاهی بیش از ۱۶۷ کشور جهان (تا ۲۲ آوریل ۲۰۲۰) را درنوردید (UNHCR, 2020, April 22). به دنبال این حادثه غالب کشورهای درگیر، بدون در نظر گرفتن پیامدهای اقتصادی آن، بی‌تعلل تمامی مرزهای خود (زمینی، هوایی، دریایی و گمرکات) را بر روی همسایگان و سایر نقاط جهان بستند به طوری که اقدامات حفاظتی گوناگون و بعضاً شدیدی را برای کنترل مرز انجام دادند: افزایش بودجه‌های امنیت مرزی، تقویت آژانس‌های گشت مرزی، ایجاد قوانین سخت‌گیرانه مهاجرت، ثبت بیشترین رکورد قرارداد کنترل مرزی و استقرار نیروها و تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری در بسیاری از مرزهای جهان (ایالات متحده، پرو، اکوادور، کلمبیا، برزیل، یونان، لهستان، جمهوری چک، لتونی، لیتوانی، هلند، مقدونیه، پرتغال، اسلواکی، اسلونی و...) از جمله این اقدامات بود که به نوعی تشدید نظامی و امنیتی شدن هرچه بیشتر مرزها را برجسته ساخت (Akkerman, 2020, P. 3-2). به طور ویژه پاره‌ای از کنش‌ها و اقدامات مرزی کشورها در مهار بحران ناشی از ویروس کرونا به شرح ذیل بود:

الف. انسداد فوری مرزها: بدیهی‌ترین، فوری‌ترین و نخستین اقدام تمامی کشورها در بروز یک بحران به منظور جلوگیری از تسری آن، انسداد سریع و فوری مرزها (زمینی، آبی و هوایی) است. هرچند در چنین شرایطی باز گذاشتن مرزها به

منظور سطحی از همکاری ضروری است: به همین دلیل مدیریت چنین بحران‌هایی از جهت تأمین امنیت، خدمات، سهولت در حمل و نقل و لجستیک تابعی است از میزانی از همکاری‌های مشترک مرزی. به تعبیری در شرایط بحران ناشی از کرونا، کشورها برای جلوگیری از حداکثر تسری پاندمی، چاره‌ای غیر از بستن سریع مرزها نداشتند و از دیگر سو به منظور تسهیل در امور حمل‌ونقل و عبور مرزی در راستای پیشبرد اهداف زنجیره تأمین (نیازهای اقتصادی و امدادی و حمل‌ونقل کالاهای ضروری)، میزان از همکاری‌های مرزی (و اجبار در باز بودن مرزها)، ضرورت داشت. با این حال در چنین شرایطی به نظر می‌رسد بستن و یا کنترل شدید مرزهای ملی و محلی کشورها با نگرش سلولی و ایزولاسیون به مکان و فضای جغرافیایی به عنوان زیستگاه سازه‌های انسانی، با هدف لغو و یا تقلیل تراکنش‌های فضایی تا سرحد ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر، راه حلی است که امکان کنترل بیماری‌های اپیدمیک و حفاظت از ایمنی و تضمین سلامت انسانها و سازه‌های انسانی میکرو و ماکرو را فراهم می‌کند (حافظنیا، ۱۳۹۹، ص. ۲-۱).

ب. کنترل ورود اتباع و مهاجرین: هرچند سیاست جلوگیری از ورود اتباع بیگانه و مهاجرین در کشورهای گوناگون با اهداف خاص امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... صورت می‌پذیرد؛ با این حال در هر کشور، اقامت، و عبور اتباع بیگانه یکی از مسائلی است که با امنیت آن کشور ارتباط دارد. سیاست جلوگیری از ورود اتباع بیگانه و مهاجرین ناشی از بحران ویروس کرونا در چارچوب انسداد فوری مرزها به منظور جلوگیری از تسری آنی بحران مزبور بود، که تقریباً در تمامی کشورهای جهان به اجرا درآمد. به طور مثال در طول این بحران، شبکه نظارت بر خشونت در مرزها در گزارش خود از افزایش فشار و خشونت علیه مهاجران در برخی از مرز کشورها (در کشورهای بالکان) (Border Violence Monitoring Network,) (Tondo, 2020, May 28)، بستن لنگرگاهها و بنادر بر روی صیادان (در مالت و لیبی) (P. 10, 2020, May 19)، اخراج شهروندان غیرقانونی و مهاجران (در آمریکا و کوالالمپور) (Lakhani, 2020, April 17) و... خبر داد.

ج. تشدید نظامی سازی: بحران کرونا منجر به تشدید نظامی شدن مرزها شد، بدون آنکه واکنش و اعتراضات عمومی را به همراه داشته باشد (Akkerman, 2020, P. 10). با شیوع ویروس کرونا کشورهای مختلف به شیوه‌های گوناگون در قالب

¹The Border Violence Monitoring Network (BVMN)

افزایش نیروهای مرزی و پرسنل نظامی (در آمریکا و اکوادور، کلمبیا، برزیل، جمهوری چک، لتونی، لیتوانی، هلند، مقدونیه شمالی، اسلواکی و اسلوانی و...)، افزایش ادوات و تجهیزات نظامی گشت مرزی (در مرزهای پرو، یونان، فلاند و...) (Sánchez, 2020, May 13; Jaramillo & Parks, May 6), بروز رسانی و گسترش فناوری بیومتریک، نظارت و کنترل دیجیتال، اسکنر صورت و غیره اقدام به نظامی سازی هرچه بیشتر مرزها کردند (Black, 2020, April 28). به طور مثال با شیوع این ویروس دولت آمریکا با صرف ۱۰۰ میلیون دلار به منظور اقدامات نظارتی اقدام به ایجاد سپاه کنترل مرزی، اختصاص ناوگان ویژه گشت دریایی، راهاندازی ایستگاه‌های رایانه‌ای و ایجاد ایستگاه‌های کنترل و نظارت مرزی نمود. همچنین اجاره پهپادهای گشت مرزی هیرن^۱ اسرائیلی تو سط یونان (IAI, 2020, May 6)، قرارداد واگذاری قایق‌های گشت ساحلی ایتالیایی به لیبی به ارزش ۱/۶۶ میلیون یورو، قرارداد ساخت شش قایق گشت مرزی نیروی دریایی سلطنتی استرالیا با شرکت آستال^۲ به ارزش ۳۲۴ میلیون دلار و... نمونه‌ای از این اقدامات بود (Austal, 2020, May 1).

د. تشدید ساخت و رواج دیوارهای مرزی: تشدید ساخت و رواج دیوارهای به عنوان بخشی از اقدامات نظامی سازی مرز است. در حقیقت روش‌های خشن انسدادی چون دیوارکشی و رواج انواع مرزها هو شمند و مغناطیسی، دلایلی بر روند روبه رشد «امنیتی- نظامی» شدن هرچه بیشتر مرزها است؛ به طوری که بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، صدها مرز جدید در سراسر جهان پدیدار شده است. کیلومترها سیم‌خاردار جدید و دیوارهای امنیتی بتنی، بازدا شتگاه‌های دریایی متعدد، بانک‌های اطلاعاتی گذرنامه‌های بیومتریک، ایست‌های بازرسی در مدارس، فرودگاه‌ها و کنار جاده‌ها در سراسر دنیا (Nail, 2016, P. 1)، همگی نشان عزم جدی کشورها در برقراری امنیت مرزهای ملی در برابر تهدیدهای رو به گسترش جهانی است؛ تا جایی که دیوارکشی تبدیل به سیاست مرزهای امنیتی در غالب کشورهای جهان شده است. تصمیم دولت آفریقای جنوبی و زیمباوه برای حصارکشی و ترمیم ۴۰ کیلومتر دیوار در مرزهای مشترک (AFP, 2020, March 20)، و تصمیم دولت آمریکا برای ساخت قسمت‌هایی از دیوار مشترک با مکزیک از جمله این اقدامات در برابر همه‌گیری ویروس کرونا بوده است (Roberts, 2020, March 14).

۴-۴. بحران کرونا و آینده مرزهای سنگن

¹ Heron

² Austal

در حالی که بسته شدن مرزها در سرتا سر جهان به واسطه همه‌گیری ویروس کرونا، امری عادی تلقی می‌شود، اما این مسئله در اتحادیه اروپا به دلیل جابه‌جایی آزاد نیروی کار و شهروندان در نوع خود، از این جهت بحث برانگیز بود (Lindholt & et al, 2020, p. 1-2) که اتحادیه اروپا به واسطه توافقنامه شنگن همواره سعی نمود بر مفهوم اروپای بدون مرز، در قالب سیاست پساوستانفالیایی مشروعیت ببخشد (Balibar, 2004). در این چارچوب لغو موانع فیزیکی در منطقه شنگن و برنامه‌های اتحادیه در خصوص همکاری‌های فرامرزی و توسعه مؤسسات فرامرزی همگی طرح‌هایی بودند در جهت حمایت از پروژه‌های ادغام اجتماعی در این اتحادیه (Opitowska, 2020, p. 591). با این وجود، بحران‌های فزاینده پناهجویان، برگزیت، احیای جنبش‌های ملی‌گرایانه در سراسر اروپا، تروریسم، و پس از آن شیوع همه‌گیری ناشی از کرونا (Opitowska, 2020, ibid) نشان از آن دارند که آینده اروپای بدون مرز، فاقد یک اطمینان دائمی است؛ از این جهت، به واسطه بحران‌های نام‌برده، درحالی که به نظر می‌رسد، مرزها برای شهروندان اروپایی ناپدید شده‌اند، اتحادیه اروپا به طور فزاینده‌ای، بررسی‌هایی را در چارچوب امنیت رژیم مرزهای باز شنگن آغاز کرده است (Salihoglu & Borriello, 2020). از سال ۲۰۱۵ (به واسطه بحران مهاجران و پناهندگان) دیوار و حائل‌سازی در مرزهای اتحادیه اروپا، روند و به رشدی داشته؛ به طوری که تعداد دیوارهای ساخته شده در مرزهای این اتحادیه، از ۲ دیوار (۱۹۹۰م) به ۱۷ دیوار (۲۰۱۷م) (Benedicto & Brunet, 2018, p. 22-23) الی ۱۹ دیوار (۲۰۱۹م) (Hafiz Mehmet, 2019, March 7) رسید. از ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا، هم‌اکنون، ۱۰ کشور اسپانیا، یونان، مجارستان، بلغارستان، اتریش، اسلوانی، بریتانیا، لتونی، استونی و لیتوانی، برای جلوگیری از مهاجرت دیوارهایی در مرزهای خود ساخته‌اند (Benedicto & Brunet, 2018, ibid). در حقیقت نصب دیوارهای بتنی و سیم خاردار در مرز ترکیه - یونان؛ ترکیه - بلغارستان؛ یونان - مقدونیه؛ مجارستان - صربستان؛ مجارستان - کرواسی؛ نروژ - استونی - لیتونی، واکنشی است به تهدیدهای رو به گسترش؛ به‌ویژه تهدید ناشی از مهاجرت. به طور مثال، هلند به تنهایی در سه دهه اخیر نزدیک به ۱۰۰۰ کیلومتر دیوار و یا حائل‌های نرده‌ای در اروپا کشیده شده که این میزان شش برابر طول دیوار برلین است (Hafiz Mehmet, 2019, March 7). در مجموع، همه‌گیری ویروس کرونا، نشان داد که ایده اروپای قلمروزدایی شده در لوای دنیای بدون مرز در برابر بحران مقاوم نیست (Opitowska, 2020, p. 599)؛ از این رو به نظر می‌رسد همراه با واکنش‌های ناشی از خطر

بیماری‌های همه‌گیر و به واسطه اقدامات ضد مهاجرتی، صیانت و حفاظت از مرزهای ملی و شیوه‌های سنتی مرزداری، حتی در اروپای بدون مرز، ادامه یابد (Radil & et al, 2020, p. 136).

۵. تجزیه و تحلیل (بحران کرونا و دگردیسی مرزها در عصر پساوستفالیایی دولت)

در عصر گذار از نظام و استفالیایی، جهان شبیه بخشی از کتاب «قصه دو شهر» چارلز دیکنز است؛ یعنی عناصر متضادی چون خردمندی و ابله‌ی، روشنایی و تاریکی، امید و ناامیدی، وفور و فقدان، ایمان و کفر، خوبی و بدی و غیره را در خود دارد و علی‌رغم این‌که فرصت‌های زیادی به وجود آمده است اما جهان با چالش‌ها و مشکلات جدید، جدی و عدیده‌ای روبه‌روست (راست، ۱۳۸۴، ص. ۷۴۹-۷۴۸).

اکنون در نظام پساوستفالیایی، دنیای بسیار پرآشوب جهانی شده، نسبت به دوران گذشته، به طرزی ژرف، دچار دگردیسی شده است (خلیلی، ۱۳۹۹، ص. ۲۲). اگر پیمان و استفالیای، عهده‌نامه‌ای بود که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی (۱۶۴۸-۱۶۱۸) در اروپا، میان کشورهای اروپایی بسته شد و نخستین پیمان صلح چندجانبه پس از رنسانس در اروپا، به شمار می‌آمد و به عنوان الگوی معاهده‌های بزرگ بین‌المللی (مانند جامعه ملل و سازمان ملل متحد) در یادها ماند و اساس شکل‌گیری قانون و حقوق بین‌الملل شد، پیامدهای دنیاگیری کرونا، نیز می‌تواند سرآغاز ریخت‌گرفتن آغازهای دیگر باشد. کرونا خالق لحظه نووستفالیای در جهان معاصر است (همان، ص. ۱-۲).

بحران ناشی از ویروس کرونا همچون سقوط دیوار برلین در دوران جنگ سرد، از این جهت که چگونه یک ویروس می‌تواند نظم اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی و اجتماعی کل جهان را به چالش بکشد، پدیده جهانی تکان‌دهنده‌ای است که عدم توازن در نظم جهانی را برجسته‌تر کرد (Nye & Walt, 2020, March 20). دامنه تأثیرات این بحران (به عنوان یکی از بحران‌های قرن بیست و یکم و شاید هم بزرگترین آنها) به حدی بوده که عده‌ای معتقدند، بحران مزبور باعث بازطراحی و بازتعریف شاکله نظام بین‌الملل (Allen et al, 2020, March 20) و هندسه جدید نظم ژئوپلیتیکی در جهان خواهد شد. شکل‌گیری گونه‌هایی جدیدی از رقابت‌های

ژئوپلیتیکی، قطب‌بندی جدید قدرت و بازنگری در سیاست دولت‌ها، از نتایج این بحران در آینده است.

از نظر ریچارد هاس اثرات این بحران بر دولت‌ها، رفتن به سمت درون‌گرایی بیشتر و تمرکز بر تحولات درون مرزی (Haass in Allen et al, 2020, March 20) در چارچوب خودکفایی‌گزینشی (Niblett in Allen et al, 2020, March 20)، تشدید ملی‌گرایی، تغییر در پندار و رفتار دولت‌ها نسبت به تهدیدهای نامرئی (ویروس‌ها و سایر پاتوژن‌ها، سیستم‌های هوش مصنوعی، ویروس‌های رایانه‌ای، پرتوها و تشعشعات) (Nye, 2020, March 20) و... بود، که همه آنها در چارچوب محافظت مرزی و بازگشت به سیاست کنترل مرزی در دفاع از مرزهای ملی و سرزمینی قابل بیان است، به طوری که به دنبال این حادثه غالب کشورهای درگیر، بدون در نظر گرفتن پیامدهای اقتصادی آن، بی‌تعلل تمامی مرزهای خود (زمینی، هوایی، دریایی و گمرکات) را بر روی همسایگان و سایر نقاط جهان بستند و این شامل مرزهای باز شنگن هم می‌شد. در حقیقت در حالی که ترس همچنان برای مشروعیت بخشیدن به رژیم‌های کنترل دقیق و شدید مرزی مهم است، به واسطه این بحران غرب مرز ساز و مهاجر شرقی/ جنوبی حداقل لحظه‌ای نقش خود را عوض کرده‌اند (Borriello and Salihoglu, 2020, March 20).

در مجموع، بستن و یا کنترل شتابزده و غیرسیستماتیک و ناقص مرزها در مقیاس‌های مختلف ملی و محلی اولین اقدام حکومت‌ها (حافظنیا، ۱۳۹۹، ص. ۲-۱) برای کنترل این بحران بود. این بحران دارای پیامدهای مهم و پیام روشنی به معتقدین و اندیشمندان پایان عصر مدرن و دولت وستفالیایی بود:

الف) دگرذیسی و خیزش مجدد مرزها: به عنوان نخستین پیامد مهم، اغراق نیست اگر بگوییم این بحران، عامل خیزش مجدد مرزهای جغرافیای سیاسی در همه مقیاس‌ها از محلی/ مکانی تا بین‌المللی بود (اهمیت درک مقیاس در اصل تفکیک هویت). مرز دارای یک سلسله مراتب از سطح فردی، خانوادگی، تا سطح محلی، ناحیه‌ای، ملی و جهانی است (Smith, 2000, P. 725) که براساس آن تمایز یافتگی جغرافیایی گسترش می‌یابد. مرزهای جغرافیای سیاسی در هر مقیاسی (بین‌المللی، ملی و فروملی)، دارای وظیفه ذاتی تفکیک و جدایی‌انگاری (هویت خاص)، تأمین امنیت فضا و سازه انسانی، و نیز کنترل جریانها و فرآیندهای بینابینی است. بحران کرونا بیش از پیش مقیاس مرز جغرافیای سیاسی را قابل فهم، خوانا و با اهمیت ساخت، که در این بین علاوه بر قد کشیدن مرزهای بین‌المللی، مرزهای داخلی و

فرو ملی (استانی، شهرستانی، شهری، روستایی، مکانی و...) به اشکال قرنطینه‌های مکانی/فضایی و حتی مرزبندی انفرادی (فاصله گذاری اجتماعی) فعال شدند (حافظنیا و احمدی (ب)، ۱۳۹۹، ص. ۴).

ب) رد انگاره بی‌دولتی: در نظریه واقع‌گرایی، یکی از مؤلفه‌هایی که به شدت بر آن تأکید می‌شود، حکومت‌ها هستند که بازیگران اصلی روابط بین‌الملل به حساب می‌آیند. درحالی که تبیین جهانی شدن، غافل از مسئولیت‌های متعدد دولت‌ها (نظم، امنیت، اقتصاد، تأمین اجتماعی و...)، آنها را در کنار سایر بازیگران عرصه جهانی تنها یک بازیگر می‌داند که به موازات سایر بازیگران مانند سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی (جهانی و منطقه‌ای)، شرکت‌های چندملیتی، تروریست‌های بین‌المللی، بازارهای جهانی و غیره به ایفای نقش می‌پردازند. اولین و بدیهی‌ترین مسئله این است که شرایط اضطراری ناشی از تهاجم ویروس کرونا به ما یادآوری می‌کند که حکومت‌های ملی مهمترین بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند. هنگامی که خطرات جدیدی ایجاد می‌شود، انسانها قبل از هر چیز چشم به حکومت‌های ملی خود دارند (Walt, 2020, March 9).

در حقیقت شیوع ویروس کرونا، جهان‌گرایان را متوجه این امر کرد که به وقت خوف و خطر و تهدید امنیت، سلامت و منافع سازه انسانی ملت، مسئولیت حفظ جان و منافع شهروندان، نه امری جهانی و فرامرزی، بلکه نخست امری ملی و درون‌کشوری است که در چارچوب مرزهای ملی کشورها، برعهده حکومت‌های ملی است. البته حکومت‌ها با توجه به بعد پاندمیک و گسترش جهانی و کروی ویروس کرونا، برای مبارزه و کنترل آن ناگزیر از همکاری و همراهی با یکدیگر با محوریت سازمان ملل بویژه سازمان بهداشت جهانی هستند (حافظنیا و احمدی (ب)، ۱۳۹۹، ص. ۴).

ج) ملی‌گرایی / بازگشت به مرزهای ملی: امروزه موقعیت جنبش‌ها و فرایندهای سیاسی که بر هویت ملی، ارزش‌های ملی، منافع ملی، خوداتکایی و درون‌گرایی کشوری و رد دیگران و تعریف خودی تأکید دارند، در بین مردم کشورهای مختلف جهان رو به افزایش است. بنابراین، افزایش نقش کنترلی مرزها، که ریشه آن در این است که امنیت ملی، منافع و هویت ملی در خطر است، از شاخص توسعه ملی‌گرایی جدید است (حافظنیا، ۱۳۹۰، ص. ۱-۱۰). تضعیف جهانی شدن و تقویت دولت‌های ملی، و به تناسب رشد ملی‌گرایی و استقلال ملی به واسطه بحران‌های فزاینده، از نشانه‌های جهان‌پساکرونا است (بیات و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۶۱۶).

د) **تغییر در روابط ژئوپلیتیکی کشورها:** تغییر در روابط ژئوپلیتیکی کشورها به واسطه تهدیدهای ناشی از همسایگان توسعه نیافته، جنگ زده، بحرانی، فقیر و غیره و تبعات ناشی از آن که به طور مستقیم مسائل نام برده در قالب مهاجرت، تروریسم، شیوع بیماری‌ها همه گیر، قاچاق، مسائل زیست محیطی و گونه مختلف ناامنی و غیره حاکمیت سرزمین و مرزی کشور مبدأ را هدف قرار می دهد؛ مثال بارز آن، اثرات این بحران بر مرزهای مشترک مکزیک (به عنوان یک کشور در حال توسعه) و آمریکا (به عنوان یک کشور توسعه یافته) و اتحادیه اروپا، نسبت به حوزه پیرامونی آن است.

در حقیقت بحران ویروس کرونا به تقویت جریانهای ملی‌گرایی در برابر جریانهای منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی و بازگشت ملتها و حکومتها به درون مرزهای ملی کمک خواهد نمود. درون‌گرایی و تأکید بر اقتصاد ملی، ترجیح خود ملی نسبت به دیگر ملتها، اعمال سیاست‌های ضد مهاجرتی و غیره از جمله پیامدهای این بحران است، که ممکن است باعث بروز و تشدید گونه‌های ملی‌گرایی افراطی نیز بگردد. ویروس کرونا نشان داد که در مواقع اضطرار، مردم به کشور و هویت ملی خود باز می‌گردند. زیرا آن را پناهگاه و خانه خودی و آرمان‌نهایی زیست خود می‌دانند. نمونه‌ای از این دست، انتقال دانشجویان خارجی در کشورها در جریان بحران کرونا به کشورهای اصلی و وطن خود می‌باشد. زیرا نهادهای جهانی فاقد چنین ویژگی‌هایی هستند. از سوی، این بحران با آشکار سازی تصورات و تخیلات واهی و غلط بی‌مکانی، بی‌کشوری، بی‌حکومتی، بی‌سرزمینی، بی‌مرزی نشان داد، گرچه ویروس کرونا یک پدیده جهانی و چالش بشری است، اما باعث تقویت حاکمیت ملی و قد کشیدن مرزهای بین‌المللی برای دفاع از امنیت ملی از سوی، و مسئولیت‌پذیری حکومت‌های ملی برای مبارزه با تهدید اپیدمی کووید ۱۹ در درون مرزهای ملی گردید، و حتی در این فرآیند نقش کنترلی مرزهای درون کشوری و محلی کشورها نیز فعال گردید (حافظنیا و احمدی (ب)، ۱۳۹۹، ص. ۳-۲).

بی‌تردید بحران کرونا، ضمن یادآوری مفاهیم پایه در جغرافیای سیاسی (ملت، سرزمین، حکومت، دولت، قلمرو و...)، با یادآوری نقش مرزها در دفاع از اصل حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال ملی، قلمرو خواهی و... هشدار مجددی بود در جهت فلسفه اندیشی و نگرش عقلایی به مرزها. اغراق نیست اگر بگوییم این بحران با یادآوری مجدد نظم وستفالیایی، خیزش مجدد مرزها بود. این پدیده در قالب وستفالیای نوین، با یادآوری لزوم اعتماد به روش‌های رئالیستی در تأمین امنیت ملی

و سرزمینی، سست بودن فرضیات ایدئالیستی نظام پساوستفالیایی در لوای جهان وطنی، بی‌دولتی، بی‌ملتی، دنیای بدون مرز و سرزمین را به ایده‌پردازان جهانی شدن گوشزد نمود (حافظنیا و احمدی (الف)، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۸).

در مجموع تجربه بحران ناشی از کرونا با رد فرضیه کم اثر شدن ویژگی‌های وستفالیایی دولت نشان می‌دهد در عصر پساوستفالیایی بسیاری از نقش‌های سنتی دولت‌ها کماکان پابرجاست و مرزها نه تنها رنگ نباخته، که مانند گذشته محافظ و سد محکمی بر سر راه عوامل بیرونی در دولت ملی است. بدهی امنیتی شدن بیشتر مرزها و برجسته شدن نقش آنها در آینده، از طریق اقدامات ضروری و طرح‌های انسدادی در قالب تشدید سیاست دیوارکشی، تدوین قوانین سخت‌گیرانه مهاجرت، رشد صنایع مرزی- نظامی و... به واسطه تهدیدهای روزافزون ناشی از درک رشد و توسعه تکنولوژی و فناوری از یک سو، و از سویی تهدیدهای گسترده (نظیر تروریسم مجازی، مهاجرت‌های بین‌المللی در اثر جنگ و ناامنی، بیماری‌های مسری، حملات سایبری، قاچاق مواد مخدر و از سان، ترس از سرایت جنبش‌های اجتماعی، ظهور ملی‌گرایی جدید، پدیدار شدن کشورهای جدید بر روی نقشه سیاسی جهان از فردای جهانی شدن، بحران هویت و...) به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های جهان امروزی ما به مفهوم پی بردن به اهمیت مرزها در کنترل و بازدارندگی این مجموعه‌ی بزرگ از ناامنی‌ها است (همان، ص. ۱۲۰). به دقیق‌ترین تعبیر، گونه‌های ترس، مرزهایی ایجاد می‌کند که برای مشروعیت بخشیدن به رژیم‌های کنترل دقیق مرزی مهم است. (Borriello and Salihoglu, 2020, March 20).

۶. نتیجه‌گیری

معتقدین به فروپاشی نظام وستفالیایی به تأسی از بنیان‌های نظری فرائیبات گرایانه و متعاقباً تحولات ناشی از فرایند جهانی شدن، عقیده دارند که جهان کنونی وارد دوره‌ای موسوم به نظام پساوستفالیایی شده، که همانند گذشته پدیده‌های مدرن حاصل از میراث وستفالیایی نظیر دولت، سرزمین و مرز، دیگر آن کارایی سنتی خود را ندارند. در چارچوب این مدعا، مقاله مزبور با محوریت قرار دادن بحران کرونا در کانون مقایسه و بررسی اهمیت، نقش و جایگاه مرزها در دو عصر دولت وستفالیایی و عصر پساوستفالیایی دولت؛ این پرسش مورد واکاوی قرار داد، که در دوران موسوم به عصر پساوستفالیایی، با وجود بحران‌ها و تهدیدهای متعدد و فزاینده جهانی، نظیر بحران ناشی از ویروس کرونا، آیا پدیده مرز و قلمرو به عنوان میراث عصر وستفالیایی،

آن‌گونه که اندیشمندان مکاتب پسااثبات‌گرایی و مدعیان فراآمدن نظم پساوستفالیایی معتقدند، غیر ضروری و به سمت کم‌رنگ شدن است؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح شد که استدلال و اندیشه‌های نفی‌کننده مرز و قلمرو از سوی معتقدین و اندیشمندان فراآمدن نظم پساوستفالیایی و مکاتب فرااثباتی، با واقعیت‌های کنونی فضای جغرافیایی، مطابقت ندارد. تحولات عصر پساوستفالیایی (به واسطه رشد سریع اینترنت، فضای مجازی و رشد تکنولوژی‌های جدید) باعث کم‌رنگ شدن و بی‌اهمیت شدن مرزها نشده، بلکه تنها متنوع‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن کارکرد مرزها را به دنبال داشته است. ضرورت دولت دارای حاکمیت و برخوردار از امنیت و اقتدار و به تبع آن وجود مرز، به فراخر تهدیدهای موسع و چند بعدی و بازیگران متعدد سهم خواه، یک ضرورت فلسفی و عقلانی است. در حقیقت در عصر کنونی، مرزها به یک ساختار قانونی پویا، چابک و پیچیده تبدیل شدند که روز به روز در حال دگرگونی، پوست اندازی، بازتولید و تولدند. به واقع، پدیده کرونا در قالب وستفالیای نوین، با آشکار نمودن سُستی فرضیات نظام ادعایی پساوستفالیایی در لوای جهان وطنی، بی‌دولتی، بی‌ملتی، دنیای بدون مرز و سرزمین و... اهمیت دولت و مرز (دولت‌داری حاکمیت و قلمرو) را بیش از هر زمانی آشکار ساخت.

منابع

- بوزان، بری (۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بنکه، آندریاس (۱۳۸۱). «پست‌مدرنیته کردن امنیت»، **فصلنامه راهبرد**، دوره دهم، شماره ۲۶: ۲۳۹-۲۱۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۹). «ضرورت اتخاذ راهبرد ژئوپلیتیکی برای حل بحران‌های پاندمیک»، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، سال شانزدهم، شماره ۵۸: ۶-۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی، ابراهیم (۱۳۹۹). «تبیین فلسفه و کارکرد مرز در عصر وستفالیایی و جهانی شدن»، **فصلنامه جهانی شدن**، دوره نهم، شماره ۱، (پیاپی ۳۱): ۱۱۷-۱۵۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی، ابراهیم (۱۳۹۹). «بحران کرونا و بازآفرینی نقش مرزهای بین‌المللی»، دید بانی علمی بیماری کووید ۱۹، **گروه مطالعات علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس**، ۶ خرداد ۱۳۹۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). **جغرافیای سیاسی فضای مجازی**، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). «ظهور ملی‌گرایی جدید در جهان، سخنرانی علمی»، **انجمن ژئوپلیتیک ایران**، ۱۶ آذر ۱۳۹۰.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ جان‌پور، محسن؛ مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹). «تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرزها»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی (برنامه‌ریزی و آمایش فضا)**، دوره چهارم، شماره ۳: ۵۹-۴۱.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۹). «بزنگاه کرونا و وستفالیای نوین بین‌المللی»، **فصلنامه میان رشته‌ای در علوم انسانی**، سال دوازدهم، شماره ۳.

- دیوتاک، ریچارد (۱۳۸۸). «پست مدرنیسم در روابط بین‌الملل»، ترجمه علیرضا ازغندی و محسن محمودی، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۱: ۴۴-۱۳.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۹). بیماری همه گیر کرونا و صلح و امنیت بین المللی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۳: ۲۰۰-۱۸۱.
- موسوی شفایی، مسعود؛ گودرزی، سهیل؛ خداخواه آذر؛ سمیه (۱۳۹۹). «کرونا به مثابه رخداد در روابط بین‌الملل: نقص در کارویژه دولت - ملت در مواجهه با رخدادهای نوظهور»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره نهم، شماره ۳۳ (پیاپی ۶۳): ۶۲-۳۹.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۸). پاندمی کرونا به مثابه یک جنگ آشکار- نادیدنی، *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، سال دوازدهم، شماره ۲: ۲۶-۹.
- فیلنت، کالین (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک، ترجمه محمد باقر قالیباف و محمدهادی پوینده، تهران: انتشارات قومس.
- فرهادپور، مراد (۱۳۸۸). دولت-ملت و سیاست مردم: قانون و خشونت، تهران: نشر رخداد نو.
- گالاهر، کارولین و همکاران (۱۳۹۱). مفاهیم کلیدی در جغرافیای سیاسی. ترجمه محمد حسن نامی و علی محمدپور، تهران: موسسه فرهنگی زیتون سبز.
- نجفی‌سیار، رحمان (۱۳۹۹). «بحران کرونا و تغییر پویای راهبردی نظام بین‌الملل»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال دوازدهم، شماره ۳: ۴۲۲-۴۰۲.
- والث، استفان (۱۳۹۸). دهکده جهانی را فراموش کنید، *فارین پالیسی*، ترجمه در روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۸۴۸. در: <https://donya-e-eqtasad.com>

Allen, John & et al (2020). "How the World Will Look After the Coronavirus Pandemic", *Foreign Policy*, (2020, March 20). Available in: <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/>

AFP (2020). "COVID-19: South Africa to build R37m Beitbridge border fence", *ENCA*, (2020, March 20). Available At: <https://www.enca.com/news/Covid-19-south-africa-build-r37m-beitbridge-border-fence>.

Akkerman, Mark (2020). "COVID-19 and Border Politics", (2020, July 16). Available at: <https://www.tni.org/en/publication/covid-19-and-border-politics>.

Austal (2020). "Austal Australia awarded A\$324 million contract to build six Cape Class Patrol Boats", *company announcement*, (2020, May 1). Available At: <https://www.austal.com/news/austal-australia-awarded-a324-million-contract-builds-six-cape-class-patrol-boats>.

Albert, Mathias (1998). "on boundaries, territory and postmodernity: An international relations perspective", *Geopolitics Journal*, vol.3, No.1.

Benedicto, Ainhoa Ruiz, Akkerman, Mark & Brunet, Pere (2018). "A Walled World Towards a global apartheid, " *Trans Nation Institute (tni)*, P.p. 1-58. https://www.tni.org/files/publication-downloads/informe46_walledworld_centredelas_tni_stopwapenhandel_stothewall_eng_def.pdf

Border Violence Monitoring Network (2020), "Special Report: COVID-19 and border violence along the Balkan", (2020, May 12). Available At: <https://www.borderviolence.eu/special-report-covid-19-and-border-violence-along-the-balkan-route/>

Biscop, Sven (2020). **Coronavirus and Power: The Impact on International Politics**, security policy brief, Egmont Institute.

Black, Crofton (2020). "Monitoring being pitched to fight Covid-19 was tested on refugees", *The Bureau of Investigative Journalism*, (2020 April 28). Available At: <https://www.thebureauinvestigates.com/stories/2020-04-28/monitoring-beingpitched-to-fight-COVID-19-was-first-tested-on-refugees>.

Borriello, Gilda; Salihoglu, Asli (2020). "borders in the Time of Coronavirus: How the COVID-19 Pandemic Upended the Global Mobility Paradigm", *compass website*, (2020, March 20). <https://www.compas.ox.ac.uk/2020/borders-in-the-time-of-coronavirus-how-the-covid-19-pandemic-upended-the-global-mobility-paradigm/>

Brown, Wendy (2014). **Walled States**, Waning Sovereignty, Zoon Book.

Caldwell, Dan E (2001). "the Insecurity of Security: the Changing Relationship of Threats to Security in a Globalized world, " *Social Science Division Pepperdine University Malibu*, CA90263.

Balibar, Etienne (2004). **We, the people of Europe: Reflections on transnational Citizenship**, Published: Princeton University Press.

Griffith, Martin and O'Callaghan, Terry (2002). **International Relations: The Key Concepts**, London and New York: Routledge.

Hafiz Mehmet, Fatih (2019). "in Ankara Europe builds new 'Berlin walls' against migrants," in: <https://www.aa.com.tr/en/europe/europe-builds-new-berlin-walls-against-migrants/1638649>

Hollis, Martin; Steve, Smith (1991). **Explaining and understanding international relations**, Oxford: Clarendon.

IAI (2020). "Israel will lease IAI Heron UAV's to Greece", *press Release*, (2020, May 6), Available At: <https://www.iai.co.il/israel-will-lease-iai-heron-to-greece>.

Jaramillo, Andrea; Parks, Ken (2020). "Colombia militarizes Brazil border amid jump in virus cases", *Bloomberg*, (202 May 13). Available At: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2020-05-13/colombia-militarizes-border-with-brazil-amid-jump-in-virus-cases>.

Lindholt, Marie Fly & et al (2020). "Support for border security during the COVID-19 pandemic: evidence on levels and predictors from eight Western democracies in 2020," *Journal of Elections*, Vol.31, No.1, Pp. 1-14.

M. Dillon, J. Evrard (1992). "Stat (e)ing Australia: Squid Jogging and the Masque of State," *Alternatives*, vol. 17, No. 3.

MacMillan, John; Linklater, Andrew (1995). *Boundaries in Question: New Directions in International Relations*, London: Printer Publishers Ltd.

Nye, Joseph S, Walt, Stephen M (2020). "How the World Will Look After the Coronavirus Pandemic", *Harvard Kennedy School*, Available at: <https://www.belfercenter.org/publication/how-world-will-look-after-coronavirus-pandemic>.

Nail, Thomas (2016). *Theory of Border*. London: Oxford.

Lakhani, Nina (2020). "US using coronavirus pandemic to unlawfully expel asylum seekers, says UN", *The Guardian*, (2020, April 17). Available At: <https://www.theguardian.com/world/2020/apr/17/us-asylum-seekers-coronavirus-law-un>.

Opiłowska, Elżbieta (2020). "The Covid-19 crisis: the end of a borderless Europe," *European Societies*, Vol. 23, NO.1, Pp. 589-600. doi.org/10.1080/14616696.2020.1833065.

Pierson, Christopher (2011). *The Modern State*, London: Routledge.

Popescu, Gabriel. (2011). *Bordering and ordering the twenty-first century*, Rowman & Littlefield Publishers, INC.

Gilbert, Samuel (2020). "Pandemic fears in border towns as workers flock in to build Trump's wall", *The Guardian*, (2020, April 16). Available at: <https://www.theguardian.com/environment/2020/apr/16/trump-border-wall-coronavirus-pandemic-ajo-arizona>

Giddens, Anthony (1985). *the Nation State and Violence*, University of California Press.

Roberts, L (2020). "Trump suggests his border wall can keep out ... the coronavirus?", *Arizona Republic*, (2020, March 14). Available At: <https://eu.azcentral.com/story/opinion/oped/laurieroberts/2020/03/10/trump-coronavirus-we-need-borderwall-more-than-ever-what/5015600002>.

Radil, Steven M, Pions, Jaume Castan & Patk, Thomas (2020). Borders resurgent: towards a post-Covid-19 global border regime?, *Space and Polity*, Vol. 25, No.1: 132-140, DOI: 10.1080/13562576.2020. 1773254.

Shachar, Ayelet (2020). "Borders in the time of COVID-19", *Max Planck Institute*, (2020, 4 April). in: <https://www.mpg.de/14650555/borders-in-the-time-of-covid-19>.

Smith, N (2000). **Scale**, in **R. Johnston & Others Dictionary of Human Geography**, Oxford:Blackwell.

Sack, Robert (1986). **Human territoriality: Its theory and history**, Cambridge: Cambridge University Press.

Tondo, Lorenzo (2020). "Exclusive: 12 die as Malta uses private ships to push migrants back to Libya", *The Guardian*, (2020, May 19). Available At: <https://www.theguardian.com/global-development/2020/may/19/exclusive-12-die-as-malta-uses-private-ships-to-push-migrants-back-to-libya>

Tondo, Lorenzo (2020). "Crosses on our heads to "cure" Covid-19: refugees report abuse by Croatian police", *The Guardian*, (2020, May 28). Available At: <https://www.theguardian.com/global-development/2020/may/28/they-made-crosses-on-our-heads-refugees-report-abuse-by-croatian-police>.

Terriff, Terry (1999). **Security Studies Today**, USA: Blackwell.

UNHCR (2020). "Beware Long-Term Damage to Human Rights and Refugee Rights from the Coronavirus Pandemic", (2020, April 22).in: www.unhcr.org/news/press/2020/4/5ea035ba4/beware-long-term-damage-human-rights-refugee-rights-coronavirus-pandemic.html.

WHO (2022). Coronavirus (COVID-19) Dashboard. **World Health Organization (WHO)**, March 5, in: <https://covid19.who.int/>

Walt, Stephen M (2020). "The Realist's Guide to the Coronavirus Outbreak", *Foreign Policy*, (2020, March 9). Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/09/coronavirus-economy-globalization-virus-icu-realism/>